



پس از کش و قوس‌های فراوان بین دولت‌ها و مجالس مختلف در ۱۰سال گذشته، هم‌اکنون حدود یک سال است لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در مجلس است و از نهایی شدن سند آن خبری نیست!

پرونده «جوان» درباره پروسه طولانی «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»

و سرنوشت نامعلوم این قانون پس از سال‌ها دست‌به‌دست شدن بین مجلس و دولت

گم‌شدن قانون «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»

هر چند پرونده‌های خشونت علیه زنان از ابعاد مختلف قابل بررسی است و عوامل متعددی در شکل‌گیری خشونت‌هایی همچون ماجرای قتل دختر ۱۷ساله اهوازی یا کشته شدن رومی‌نای ۱۴ساله وجود دارد و با وجود اینکه آمار خشونت علیه زنان در جامعه ما نسبت به اغلب کشورهای دنیا بسیار پایین‌تر است اما یک واقعیت غیر قابل انکار دیگر هم وجود دارد و این واقعیت خلأقانونی مختص حمایت از زنان در برابر خشونت است. این خلأقانونی در حالی است که دست کم ۱۰سال پیش لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت نوشته شد

همسرش مطالبه برای نهایی کردن لایحه «حفظ کرامت و حمایت از

زنان در برابر خشونت» قوت گرفته است.

انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور پس از ماجرای این قتل در صفحه توییتر خود نوشت: «با فراکسیون زنان مجلس صحبت داشتم، جای تشکر دارد که لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان، پس از رفع نواقص و تنظیم سند‌های پشتیبان، با فوریت در دستور کار مجلس است.» در عین حال بابک نگهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس از بررسی لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت خبر می‌دهد.

روند بر چالش تغییرات لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»

پس از این مطالبه و طرح موضوع از سوی رهبری بود که در اسفندماه سال ۹۰نشستی با حضور تنی چند از اساتید، وکلا و صاحب‌نظران این حوزه در معاونت امور زنان و خانواده دولت دوم برگزار و پیش‌نویس لایحه در قالب پنج فصل و ۹۲ماده تدوین شد. پس از شش بار ویرایش در آذر سال ۹۱به پنج فصل و ۸۱ماده تغییر پیدا کرد اما عمر دولت دوم برای به ثمر رساندن این لایحه قد نداد. دولت یازدهم با حضور شهیندخت مولاوردی در جایگاه معاونت زنان و خانواده هم پیگیر لایحه تأمین امنیت زنان شد و این پیگیری را تغییرات گسترده‌ای در این لایحه همراه بود. این تغییرات تاجایی ادامه یافت که لایحه

مذکور پس از سه سال بازنویسی، در دولت یازدهم به پنج فصل و ۷۷ماده تغییر یافت.

تغییرات گسترده این لایحه در معاونت زنان و خانواده دولت یازدهم و جرم‌انگاری در سطح وسیع موجب شد تا صدای بسیاری از کارشناسان حقوقی و حتی برخی فعالان حوزه زنان و خانواده هم دربیاید و این لایحه را به لایحه‌ای پر اشکال تبدیل کند. این بار قوه قضائیه به ماجرا ورود کرد و لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» به لایحه «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» تبدیل شد. از نگاه بسیاری از کارشناسان حقوقی علاوه بر اینکه ایرادات لایحه قبلی در افزایش جرم‌انگاری‌ها را نداشت و لایحه‌ای جامع‌تر بود که به ایجاد بیشتری از مسئله خشونت علیه زنان توجه می‌کرد. استقبال از لایحه صیانت از حقوق بانوان تا آنجا بود که فراکسیون زنان مجلس در دیدار با سیدابراهیم رئیسی ریاست قوه قضائیه بابت تدوین و ارائه این لایحه با اهدای لوحی تقدیر کردند. حتی شهیندخت مولاوردی معاون حقوقی سابق رئیس‌جمهور و چهره پرحاشیه حوزه زنان و خانواده هم درباره لایحه اصلاحی قوه قضائیه گفته بود: «الحاقاتی که در نسخه انجام شده، یعنی لایحه ۵۰ماده‌ای به ۷۷ماده تبدیل شده، بعضاً دارای نوآوری و ابتکاری است که حتی از دید دولت هم مغفول مانده بود که باید اینها را برجسته و از آنها حمایت کنیم.» با وجود این، اما لایحه مذکور چیزی نزدیک به یک سال در دولت معطل ماند و مجلس

این اوصاف هنوز خبری از سرانجام این لایحه نیست و بهارستانی‌ها با وجود سپری شدن بیش از یک سال از رسیدن نسخه‌نهایی لایحه به دست‌شان همچنان لباس قانون بر تن آن نپوشانده‌اند. در این فاصله زمانی چندین ساله اما چند پرونده جنجالی خشونت علیه زنان اتفاق افتاد. حوادثی که شاید اگر قانونی برای پیشگیری و حمایت از زنان وجود داشت شاید اتفاق نمی‌افتاد و شاید بُعد حادثه با قربانیان آن کمتر بودند. حالا رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس از ورود این مرکز به بررسی لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت خبر می‌دهد.

دوم به‌رغم استقبال از تصویب این لایحه، عمرش قد نداد تا نهایی کردن نخستین قانون حمایت از زنان را در کارنامه کاری خود داشته باشد. آخرین اصلاحیه این لایحه شامل ۵۸ماده و پنج فصل تعاریف کلیات، نظارت بر اجرای قانون، وظایف دستگاه‌های اجرایی، جرائم و مجازات‌ها و آیین دادرسی است و مطابق با آن هر رفتاری که موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت یا محدودیت یا محرومیت از حقوق آزادی‌های قانونی زن گردد، به عنوان خشونت تلقی می‌شود. ویرایش نهایی این لایحه حالا پس از حدود یک سال معطل ماندن در دولت، ۲۴دی‌ماه به مجلس ارسال شد. حالا بیش از یک سال است که مجلس در نهایی کردن آن تعلل می‌کند و مجلس ایستگاه پایانی لایحه صیانت نبود.

لژوم ورود جدی‌تر معاونت زنان و خانواده

حادثه قتل دختر ۱۷ساله اهوازی یک بار دیگر خلأقانونی برای دفاع از زنان در برابر خشونت را گوشزد کرد. حالا انتظارها از دولت و مجلس برای سرانجام و پایان دادن به کش و قوس‌های ۱۰ساله قانونی برای حمایت از زنان در برابر خشونت و تأمین امنیت آنان جدی‌تر شده است. شاید لازم باشد معاونت زنان و خانواده دولت سیزدهم به جز یک توییت برای مطالبه نهایی شدن و سرنوشت این قانون اقدامات جدی‌تری انجام دهد. به هر رو در نظر می‌رسد بیش از ۱۰سال تعلل و کار کارشناسی برای نهایی کردن یک قانون کافی باشد!

ساختار جامعه ایرانی و خانواده محور بودن آن و همچنین جایگاه خاص زنان در خانواده به عنوان مادر و همسر موجب شده تا آمار خشونت علیه زنان در جامعه ایرانی نسبت به سایر جوامع بسیار کمتر باشد اما این مسئله نافی این نیست که ما هم برای مقابله با خشونت علیه زنان به عنوان یکی از ارکان خانواده نیازمند قانونی جامع و مستقل هستیم. مطالبه برای قانونی در زمینه تأمین امنیت زنان سال‌ها پیش از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد. حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن در خصوص خلأهای قانونی و حقوقی موجود در زمینه تأمین امنیت زنان در خانواده تأکید داشتند و این نقطه آغازی برای طراحی لایحه‌ای با محوریت تأمین امنیت زنان در دولت بود. اما کمتر لایحه‌ای همچون لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در بین دولت‌ها و مجالس مختلف دست به‌دست شده است.

حالا هم چند ماهی می‌شود این لایحه در ایستگاه مجلس توقف داشته و خبری از نهایی شدن آن نیست. تنها با وقوع و رسانه‌ای شدن حوادث و خشونت‌ها علیه زنان موجی رسانه‌ای به این لایحه و سرنوشت آن ایجاد می‌شود و پس از مدتی هم با فروکش این موج دوباره ماجرای لایحه‌ای برای حمایت از زنان در برابر خشونت به محاق می‌رود. حالا هم با ماجرای پر حاشیه قتل مونا دختر ۱۷ساله اهوازی از سوی

نظر کارشناس



این لایحه هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف دارد و مهم‌ترین نقطه قوت آن این است که ما می‌توانیم از منظر قانونی با یک سری از آسیب‌های حوزه زنان به ویژه در آسیب خشونت مقابله کنیم. از جمله نقاط ضعف آن نیز این است که

این لایحه در پارادایم مورد نظر و نظام دانایی حاکم بر جامعه ما کاملاً ننگنچیده است و باید متناسب با نظام دانایی حاکم بر جامعه ما باشد تا بتوانیم حقوق زنان را به شکل عملیاتی حفظ کنیم که در حال کار بر روی این مهم هستیم.

لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» به دولت بازگشت پیدا نکرده و اکنون در کمیسیون اجتماعی مجلس است. در خصوص این لایحه جلسات مختلفی را بنا نهاده‌ای مختلف براسای انجام اصلاحات مورد نظر بر گزار کردیم تا به هنگام ارائه آن سه صحن علنی رای آورد و مجدداً به کمیسیون باز نگردد. صدر صد اعضای فراکسیون زنان پشت تصویب این لایحه هستند چراکه به منظور حفظ کرامت، حفظ جایگاه بانوان و جلوگیری از انواع خشونت‌هایی که اعمال می‌شود به نفع زنان ماست.

سارا فلاحی

عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی

«حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» نیازمند برخی اصلاحات شکلی، محتوایی و ساختاری است. بنابر اصل ۲۱قانون اساسی ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی باید همواره مدنظر دولت و نظام حکمرانی باشد و قوانینی برای حمایت از زنان و پیشگیری از ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز و ناقض کرامت به‌ویژه در حوزه خشونت اجتماعی به تصویب رسیده، اما برخی از خلأهای قانونی از جمله خشونت در محیط خانواده و همچنین برخی از اشکال نوین خشونت از جمله تأمین امنیت زنان در محیط کار، ضرورت توجه به مداخلات پیشگیرانه جهت تأمین امنیت زنان

و در گام بعد حمایت از زنان خشونت دیده را دوچندان نموده است. در این راستا طرح «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» در زمستان ۱۳۹۹ و لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در بهار ۱۴۰۰اعلام وصول شده و مرکز پژوهش‌های مجلس به‌عنوان بازوی کارشناسی مجلس شورای اسلامی، بررسی این متون را از فروردین ۱۴۰۰در دستور کار خود قرار داده و ضمن ایجاد کارگروهی برای ام‌ک‌ب‌ز دفاتر مطالعات حقوقی، مطالعات فرهنگی و آموزش و اجتماعی، با برگزاری جلسات متعدد با دستگاه‌های اجرایی، قوه قضائیه و فعالان حوزه زنان و خانواده به بررسی اصل موضوع و ارزیابی مواد این لایحه پرداخته است. علاوه بر این مقایسه تطبیقی مواد طرح و لایحه، بررسی وضعیت موجود خشونت خانگی در ایران، الزامات پیش‌روی تصویب بررسی لایحه، بررسی ساختار تولی‌گری رصد و نظارت بر مواد لایحه و در نهایت ارائه پیش‌نویس اصلاحی برای آن از جمله گزارش‌هایی است که به صورت تخصصی در دستور کار کارشناسان این مرکز قرار گرفته و مراحل نهایی خود را طی می‌کند. آنچه مسلم است با توجه به قانون اساسی و بنیانات مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت ممانعت از ظلم به زن و همچنین برخی از خلأهای قانونی به‌ویژه در حوزه خشونت خانگی و ضرورت ساماندهی به نحوه مداخلات اجتماعی، منظور کارشناسی مرکز پژوهش‌ها بر تأیید کلیات لایحه می‌باشد اگرچه که مواد آن نیازمند برخی اصلاحات شکلی، محتوایی و ساختاری است.

بابک نگاهداری

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

یادداشت



از دواج بخش کمتر دیده شده در سیاست‌های جمعیتی

■ مهدی نیک ضمیر

ازدواج یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار روی مسئله جمعیت است. در شرایط کنونی که روند کاهش‌ی آمارهای جمعیتی روزبه‌روز با شیب تندتری رو به افول می‌گذارد و نرخ رشد جمعیت به نیم‌درصد نزدیک شده است بدیهی است موضوع ازدواج و تشکیل خانواده جوانان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که می‌تواند نمودارهای جمعیتی کشور را اصلاح کند و نمای جوان جامعه را برای سال‌های آینده حفظ نماید. اما آنچه از آمارها بر می‌آید، روند ازدواج در کشور به طور کلی کاهش است و بر خلاف طلاق هر سال تعداد کمتری واقعه ازدواج در جامعه رخ می‌دهد. بگذریم از اینکه مسئله طلاق هم می‌تواند بر روی مسئله رشد جمعیت تأثیر منفی بگذارد. به ویژه اینکه مطابق گزارش‌های آمار ی اغلب طلاق‌ها در سنین جوانی و در پنج ساله نخست زندگی رخ می‌دهند و حتی آمار طلاق در همان اول زندگی هم قابل تأمل است. طلاق‌هایی که موجب می‌شود خانواده قبل از داشتن فرزند از هم بپاشد و بسیاری از افرادی که واقعه طلاق را تجربه می‌کنند اگر چه ممکن است با ازدواج مجدد دوباره تشکیل خانواده دهند اما این ازدواج دوباره در سنین بالاتر است. از سوی دیگر به دلایل متعدد، فرصت و شرایط داشتن فرزند برای برخی از این ازدواج‌های مجدد فراهم نیست. براساس آمارهای مختلف بین ۱۱ تا ۱۴ میلیون جوان آماده ازدواج داریم که رفته‌رفته از سنین مناسب ازدواج و فرزندآوری خارج می‌شوند. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد هنوز ۱۲ درصد جمعیت ۲۵ساله و بیشتر ایران هرگز ازدواج نکرده‌اند. این نسبت برای مردان حدود ۱۴ درصد و برای زنان حدود ۱۰ درصد بوده است. در حالی که در دو دهه قبل یعنی در سال ۱۳۷۵ این نسبت برای هر دو جنس ۳۱درصد، برای زنان ۵و برای مردان ۷/۵ درصد بوده است. همچنین آمار نشان می‌دهد در دوره زمانی ۲۰ساله از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ میزان تجرد قطعی برای هر دو جنس با افزایش همراه بوده و افزایش برای زنان به مراتب بیش از مردان بوده است. در هر دو منطقه شهری و روستایی نیز افزایش تجرد قطعی در میان زنان بر مردان پیشی گرفته است. نکته قابل توجه اینکه در سال ۱۳۹۵ تجرد قطعی زنان روستایی در مقایسه با تجرد قطعی زنان شهری فراتر رفته است.

در این بین مهم‌ترین گروهی که از قطار ازدواج جدا مانده‌اند دهه شصتی‌هایی هستند که امروز به سنین میانسالی نزدیک می‌شوند و خروج این گروه از ازدواج و تشکیل خانواده ضربه جبران‌ناپذیری به ساختار جامعه، جمعیت و خانواده زده است و تبعات آن در آینده برای خود این افراد و همچنین برای جامعه جدی‌تر خواهد شد.

به عبارت دیگر آنچه نرخ رشد جمعیت در آینده را تعیین می‌کند، به ساختار سنی جمعیت و متولدان دهه ۶۰و بعد از آن بازمی‌گردد. در واقع، با گذشت زمان این افرادی که سن ازدواج می‌رسند و ازدواج می‌کنند و صاحب فرزند می‌شوند، به این ترتیب وقتی ازدواج به‌طور طبیعی کاهش می‌یابد، به تناسب آن، میزان فرزندآوری هم کاسته می‌شود. بر این اساس مشاهده می‌کنیم که طبق محاسبات

آماری نرخ زاد و ولد، از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ در کشور افزایش یافته است اما پس از سال ۱۳۹۴ به‌علت خالی شدن توان درونی جمعیت، تعداد تولدها با شیب تقریباً تندی شروع به کاهش کرده است، به‌صورتی که در سال ۱۳۹۹تعداد موالید کشور، یک‌میلیون و ۱۱۴هزار تولد، نسبت‌به سال ۱۳۹۴(یک‌میلیون و ۵۷۰هزار تولد) با کاهش بیش از ۲۹درصدی (کاهش بیش از ۴۵۰هزار تولد) همراه بوده که این روند طی چند دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. تعداد تولدهای سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سال ۱۳۹۸ نیز نشان دهنده کاهش تعداد تولدهای حدود ۸۲هزار نفری بوده و میزان موالید از حدود ۲۰در هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۴ با کاهش محسوس به ۱۳/۳در هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۹به کم‌ترین حد خود طی ۵۰سال گذشته رسیده است.

تغییرات حجم جمعیت ایران براساس سناریوهای سازمان ملل (بازنگری شده در سال ۲۰۱۷) نشان می‌دهد در صورت ادامه روند کنونی کاهش باروری، براساس سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۲۰به حدود ۸۲میلیون نفر، در سال ۱۴۳۹به حدود ۷۷/۶میلیون نفر و تا سال ۱۴۷۹به حدود ۴۲میلیون نفر کاهش خواهد یافت. بر این اساس شاید بخش کمتر مورد توجه قرار گرفته شده برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های جمعیتی مسئله ازدواج باشد. موضوعی که نه فقط بر روی جمعیت اثر می‌گذارد بلکه در جایگاه خانواده و همچنین تحکیم ساختارهای اجتماعی هم اثرگذار خواهد بود.